

بیش اعتمادی مدیریت صاحبکار و اظهار نظر غیرمقبول

حسابرس

مریم سمیاری*، بهمن بنی مهد**

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۷/۱۵

چکیده

بیش اعتمادی یکی از مهمترین ویژگی‌های شخصیتی مدیران است. از دیدگاه نظری، این ویژگی با ریسک‌پذیری مدیر رابطه مستقیم دارد. چنانچه حسابرس این ویژگی شخصیتی مدیران را تشخیص دهد و ریسک گزارشگری مالی را به دلیل بیش اعتمادی مدیران، بیش از حد برآورد کند، احتمال اظهار نظر غیرمقبول افزایش می‌یابد. هدف این پژوهش تعیین رابطه میان بیش اعتمادی مدیر و اظهار نظر غیرمقبول حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. روش تحقیق در این پژوهش برای جمع آوری مبانی نظری و داده‌های تحقیق، از نوع کتابخانه‌ای و برای آزمون فرضیه، روش همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که پس از اعمال شرایط نمونه‌گیری، تعداد ۶۶ شرکت به عنوان حجم نمونه مورد بررسی در دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ تعیین شد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، بیش اعتمادی مدیر با اظهار نظر غیرمقبول حسابرس رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی با افزایش بیش اعتمادی، احتمال اظهار نظر غیرمقبول حسابرس کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: بیش اعتمادی مدیر، اظهار نظر غیرمقبول حسابرس، گزارشگری مالی، رگرسیون لجستیک

طبقه‌بندی موضوعی: M42

مقدمه

بیش اعتمادی یا اعتماد به نفس بیش از حد، یکی از مفاهیم مالی رفتاری مدرن است. بیش اعتمادی سبب می‌شود انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک‌ها را کمتر از حد تخمین زند و احساس کند بر مسائل و رویدادها کنترل دارد؛ در حالی که ممکن است در واقعیت این گونه نباشد (فروغی و نخبه فلاح، ۱۳۹۲). در سال‌های اخیر موضوع بیش اعتمادی مدیریت در پژوهش‌های مالی و حسابداری نشان می‌دهند که بین بیش اعتمادی مدیریت و انواع سیاست‌های شرکت نظیر سرمایه‌گذاری شرکت، ادغام و ترکیب، تأمین مالی، سیاست تقسیم سود، مدیریت سود، پیش‌بینی مدیریت، اجتناب از مالیات، گزارش‌دهی نادرست مالی و محافظه‌کاری حسابداری رابطه وجود دارد (حساس یگانه و همکاران ۱۳۹۴). نتایج تحقیقات گذشته نیز نشان می‌دهد مدیران بیش اعتماد، سود را بیش‌نمایی می‌کنند (بنی مهد و نصیری، ۱۳۹۵). همچنین، بیش اعتمادی مدیر منجر به افزایش هموارسازی سود می‌گردد. به طوری که در شرکت‌های با ریسک سیستماتیک بالاتر، احتمال هموارسازی سود بیشتر است (بولو و حسنی القار، ۱۳۹۴). در پژوهشی دیگر، رامشه و ملانظری (۱۳۹۳) نشان دادند که مدیران بیش اعتماد، محافظه‌کاری کمتری نسبت به سایر مدیران دارند. نتایج پژوهش‌های مزبور، این دیدگاه را تقویت می‌کند که بیش اعتمادی به عنوان یک متغیر رفتاری، منجر به سوگیری مدیران در به‌کارگیری رویه‌های حسابداری می‌شود و بر نحوه‌شناسایی سود و زیان و مبلغ دفتری دارایی‌ها و بدهی‌ها تأثیر می‌گذارد. مدیران بیش اعتماد، بازده آتی پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت را بیشتر برآورد می‌کنند. بنابراین ممکن است شناسایی زیان را به تأخیر بیندازند و برآوردهای خوشبینانه‌تری در تعیین ارزش دارایی‌های جاری یا بلند مدت داشته باشند. این موضوع خود منجر می‌شود تا حسابرس درباره سوگیری مدیر، قضاوتی غیر محافظه‌کارانه داشته باشد و اظهارنظر غیر مقبول ارائه نماید. از این رو، پرسش اصلی این تحقیق آن است که تا چه اندازه بیش اعتمادی مدیریت شرکت مورد رسیدگی، بر قضاوت حسابرس تأثیر گذار است. هدف پژوهش حاضر نیز در درجه اول بسط مبانی نظری مباحث مربوط به بیش اعتمادی مدیر در حسابرسی و در درجه دوم، درک ارتباط میان رفتار تهیه‌کننده اطلاعات (مدیر)، بر ریسک حسابرسی و قضاوت حسابرس است. انتظار نویسندگان این مقاله بر آن است تا نتایج این پژوهش بتواند موجب بسط مبانی نظری متون مرتبط با حسابداری و مالیه رفتاری گردد. همچنین این مقاله درک بهتری در باره تأثیر رفتار تهیه‌کننده اطلاعات بر ریسک

حسابرسی به خواننده ارائه می‌نماید. این موضوع می‌تواند به قانون‌گذاران در حوزه حسابرسی، از جمله سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی، آگاهی سودمندی را درباره تخمین ریسک حسابرسی ارائه نمایند و در آخر، این مقاله می‌تواند پیشنهادهایی را برای تحقیقات آتی ارائه نماید.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

بیش اعتمادی مدیریت

بر اساس تئوری پله‌های ترقی، تجربیات، ارزش‌ها و شخصیت مدیران بر تصمیم‌گیری آن‌ها تاثیر گذار است. از این رو، تصمیم‌گیری مدیران در شرایط مختلف، متفاوت است (هامبریک و همکاران ۱۹۸۴). یکی از ویژگی‌های شخصیتی مدیران، ویژگی بیش اعتمادی است. بیش اعتمادی از دهه ۱۹۶۰ وارد متون روانشناسی شده است. اما این مفهوم در تحقیقات رشته‌های اقتصاد و امور مالی در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ گسترش یافته است. انواع بیش اعتمادی را می‌توان به شرح زیر دسته بندی نمود:

الف) درجه بندی غلط: رایج‌ترین نوع بیش اعتمادی در متون و مباحث مالی است که گاهی از آن به بیش اعتمادی در پیش‌بینی نام برده می‌شود و در آن معمولاً افراد دقت دانش خود را بیشتر و ریسک و واریانس متغیرهای تصادفی را کمتر از آنچه هست تخمین می‌زنند. مثلاً هنگام برآورد ارزش یک سهم انحراف بسیار پایینی را برای طیف بازده‌های مورد انتظار در نظر می‌گیرند.

ب) خود ارزیابی مثبت غیر واقع بینانه یا اثر بالاتر از میانگین: در این نوع از بیش اعتمادی افراد مهارت خود را بیش از آنچه هست تخمین می‌زنند. تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد که معمولاً افراد تمایل دارند که دید مثبت غیر واقع بینانه‌ای از خود و مهارت‌هایشان داشته باشند. بسیاری از انسان‌ها هنگامی که خود را با گروهی مقایسه می‌کنند، سطح توانایی‌ها و مهارت‌هایشان را بالاتر از میانگین سطح توانایی‌ها و مهارت‌های سایر اعضای گروه می‌دانند.

ج) توهم کنترل یا خوش‌بینی غیر واقع بینانه: باعث می‌شود انسان احساس کند روی مسائل کنترل داشته یا حداقل می‌تواند بر آنها تأثیر بگذارد در حالی که ممکن است در واقع این گونه

نبوده و احتمال موفقیت خود را بیش از آنچه هست تخمین بزنند. مثلاً در بازی تاس افراد هنگام تلاش برای دستیابی به یک شماره بالاتر خیلی قاطعانه تاس را پرتاب می‌کنند (اسکالا، ۲۰۰۸).

بیش اعتمادی مدیر یعنی این که مدیر بازده آتی یا جریان‌های نقدی آتی حاصل از پروژه‌های شرکت را بیش از حد مورد انتظار پیش‌بینی نماید. از دیدگاه تئوری، بیش اعتمادی در مدیرانی وجود دارد که ریسک‌پذیر هستند و ریسک‌های سرمایه‌گذاری را کمتر از حد تخمین می‌زنند. این دسته از مدیران در پروژه‌های ریسک‌پذیر سرمایه‌گذاری می‌کنند تا بازده بیشتری از سرمایه‌گذاری کسب کنند. یعنی آن چه که مدیران را به کسب سود بیشتر و در نتیجه پاداش بیشتر بر می‌انگیزاند، بیش اعتمادی مدیریت است. در تعریفی دیگر، بیش اعتمادی می‌تواند اعتقاد بی‌اساس درباره توانایی‌های شناختی، قضاوت‌ها و استدلال شهودی فرد تعریف شود (حساس یگانه، ۱۳۹۴). بیش اعتمادی را تمایلی رفتاری یا روان‌شناختی توصیف می‌کنند که باعث می‌شود درباره پیامدهای غیرقطعی رویداد های جاری در آینده مبالغه شود. این اعتماد بیش از حد عمدتاً در نتیجه تأثیر بهتر از متوسط شکل می‌گیرد. انسان‌ها در نتیجه این تأثیر خود را بالاتر از حد متوسط تصور می‌کنند. مدیران اجرایی شرکت‌هایی که نسبت به خود اعتماد بیش از حد دارند، با مبالغه (برآورد بیش از حد) درباره پیامدهای آتی ممکن است دستخوش خوش‌بینی مفرط شوند، که می‌تواند بر سیاست‌های شرکتی یا تصمیم‌گیری‌های مربوط به گزارشگری مالی تأثیر نامطلوبی برجا گذارد (مالمن‌دیر و تانه، ۲۰۰۵). مدیران بیش اعتماد در نتیجه این باور که آنها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند و دیگران از آن بی‌بهره‌اند، دقت اطلاعات و به تبع آن، سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند. (پمپین، ۲۰۰۶).

پیشینه تحقیق

استدلال در این تحقیق آن است که بیش اعتمادی مدیران، باید به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده تأثیرگذار بر نوع اظهارنظر حسابرسان مورد ارزیابی قرار گیرد؛ چرا که این مدیران در برنامه‌هایی که شرکت‌ها برای فرار از گرفتاری مالی اجرا می‌کنند، نقش مهمی دارند. اگر حسابرسان دیدگاه خوش‌بینانه مدیران اجرایی درباره عملکرد سرمایه‌گذاری‌های فعلی در آینده را قبول داشته باشند و معتقد باشند که مدیران بیش اعتماد، قادر هستند برای رهایی از گرفتاری مالی برنامه‌های مدیریتی را اجرا کنند، می‌توان برآوردی مثبت از این مدیران ارائه

کرد. در صورتی که دیدگاه حسابرسان مطابق با پیش بینی های مدیران نباشد، در آن صورت حسابرس، گزارش غیر مقبول درباره عملکرد مدیر می تواند ارائه نماید (جیانگ و لی ۲۰۱۵). تحقیق روانشناختی اخیر اندرسون و همکاران (۲۰۱۲) نشان می دهد مدیران بیش اعتماد، می توانند به موقعیت های اجتماعی عالی دست پیدا کنند. چراکه دیگران آن ها را به اشتباه خیلی شایسته تر از آنچه واقعاً هستند، تلقی می کنند. اما، سایر پژوهش ها جنبه های منفی بیش اعتمادی مدیران اجرایی را آشکار می کند، از جمله ادغام ها و تملک های غیر ضروری، سرمایه گذاری بیش از حد و سرمایه گذاری با ارزش فعلی خالص منفی. بنابراین، حسابرسان ممکن است بر آوردی منفی نسبت به مدیرانی داشته باشند که اعتماد بیش از حد به خود دارند؛ زیرا احتمال این که بتوانند برای بقای شرکت خود در آینده اقدام منطقی مناسبی ترتیب دهند، کم است. در نتیجه، حسابرسانی که به جنبه های منفی (مثبت) بیش اعتمادی مدیران اجرایی اهمیت بیشتری می دهند، احتمال بیشتر (کمتری) وجود دارد که درباره تداوم فعالیت شرکت های گرفتار مشکل مالی اظهار نظر حسابرسی تعدیل یافته صادر کنند (مالمندیر و تاته، ۲۰۰۵، ۲۰۰۸ و بن و دیوید و همکاران ۲۰۱۰).

بنابراین بیش اعتمادی مدیران می تواند بر ارزیابی ریسک گزارشگری مالی توسط حسابرسان اثر گذار باشد. چرا که مدیران بیش اعتماد، احتمال و تأثیر رویدادهای مطلوب بر جریان های نقدی شرکت را بیش از حد بر آورد می کنند و احتمال و اثر رویداد های نامطلوب بر جریان های نقدی شرکت را کمتر از حد تخمین می زنند (هیتن، ۲۰۰۲). بنابراین انتظار می رود مدیرانی که اعتماد بیش از حد دارند، مخارج سرمایه ای بیشتری داشته باشند (بن، گراهام و همکاران، ۲۰۱۰) و جریان های نقدی آتی پیش بینی شده شرکت را بیش از واقع بر آورد نمایند و سرمایه گذاری بیش از حد در پروژه های سرمایه گذاری انجام دهند. به سبب این افزایش سرمایه گذاری در مخارج سرمایه ای (دارایی های ثابت)، هزینه استهلاک افزایش می یابد. همچنین افزایش سرمایه گذاری به هزینه عملیاتی بیشتر منجر می شود. این موضوع در ارزیابی ریسک حسابرسی تأثیر گذار است و اظهار نظر حسابرس درباره عملکرد مدیر را تحت تأثیر خود قرار می دهد (مالمندیر و تاته، ۲۰۰۵). علاوه بر این نتایج، پژوهش های قبلی ارتباط مستقیم بین افزایش ابهام درباره تداوم فعالیت و بیش اعتمادی مدیران را تأیید کرده اند (چایز و همکاران، ۲۰۱۴). اگر حسابرسان از ویژگی شخصیتی مدیران آگاه شوند، می توان انتظار

داشت که آن را عاملی برای تعیین ریسک در برنامه‌ریزی حسابرسی بدانند (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۴).

جیانگ و لی (۲۰۱۵) به بررسی بیش اعتمادی مدیریت و اظهارنظر حسابرس با تأکید بر تداوم فعالیت پرداختند. مطالعات آن‌ها نشان داد که احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی تعدیل یافته غیر مقبول با بیش اعتمادی مدیریتی رابطه مثبتی دارد و نشان‌دهنده آن است که حسابرسان از مدیرانی که در شرکت‌های دارای مشکل مالی، اعتماد بیش از حد به خود دارد، برآورد نامطلوبی دارند و لذا درباره تداوم فعالیت آن‌ها اظهارنظر حسابرسی تعدیل یافته صادر می‌کنند. همچنین آنها تأکید کردند که عدم قطعیت بازار سرمایه ارتباط مثبت فوق‌الذکر را تقویت می‌کند. همچنین شراند و زچمان (۲۰۱۱) بیش اعتمادی مدیریتی را در هر شرکت و متناسب با زمان ارزیابی کردند و تأثیر آن بر نوع اظهارنظر حسابرسان را با استفاده از نمونه‌ای متشکل از شرکت‌هایی که گرفتار مشکلات مالی هستند و در فاصله زمانی سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ اظهارنظر حسابرسی تعدیل یافته غیر مقبول دریافت کرده‌اند، مورد بررسی قرار دادند. بعد از کنترل عوامل تأثیرگذار بر نوع اظهارنظر حسابرسان، متوجه شدند که تمایل صدور اظهارنظر حسابرسی تعدیل یافته با بیش اعتمادی مدیران اجرایی ارتباط مثبتی دارد، که نشان می‌دهد اگر حسابرسان از بیش اعتمادی مدیران در شرکت‌های گرفتار مشکل مالی برآورد نامطلوبی داشته باشند، احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی غیر مقبول بیشتر است. تحلیل بیشتر نشان می‌دهد که ارتباط مثبت بین بیش اعتمادی مدیریتی و احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی غیر مقبول با افزایش عدم قطعیت بازار سرمایه، قطعی‌تر است. به لحاظ استقلال حسابرس باید گفت که احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی تعدیل یافته غیر مقبول به شرکت‌هایی که وابستگی اقتصادی قابل توجهی دارند، کمتر است. درحالی‌که رینولد و فرانسیس (۲۰۰۰) و دی‌فوند و همکاران (۲۰۰۲) دریافتند که بین وابستگی اقتصادی و تمایل به صدور اظهارنظر حسابرسی تعدیل یافته رابطه‌ای وجود ندارد. علاوه بر این، پژوهش اخیر فارگر و همکاران (۲۰۱۴) تأیید می‌کند که احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی تعدیل یافته به شرکت‌های درگیر مشکل مالی، که دارای ساختاری اجرایی برای جبران خسارت با انگیزه‌های خطرپذیری هستند، بیشتر است. این بدان معنا است که حسابرسان برآورد نامطلوبی نسبت به مدیران اجرایی دارند که دارای انگیزه‌های خطرپذیری هستند. به طور کلی، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حسابرسان تلاش می‌کنند رویدادها یا شرایط تأثیرگذار بر عدم قطعیت شرکت‌های دچار مشکل مالی بر اساس رابطه آن

با بیش اعتمادی مدیریت را عمدتاً بر اساس اطلاعات گزارش های مالی شناسایی کنند. سیه و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند احتمال افزایش سود گزارش شده از طریق افزایش اقلام تعهدی اختیاری مدیران بیش اعتماد، بیشتر از سایر مدیران است. تحقیقات هیلاری و سو (۲۰۱۱) نشان داد که بیش اعتمادی مدیران بیش اعتماد، پیش بینی سود رابطه منفی و معنی دار دارد. هر چه بیش اعتمادی مدیر بیشتر باشد، پیش بینی سود صحت کمتری دارد و احتمال دستکاری سود افزایش می یابد. چن و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیریت بر کنترل های داخلی پرداختند. آن ها نتیجه گرفتند احتمال حفظ کنترل های داخلی بی اثر در شرکت هایی با مدیران بیش اعتماد، بیشتر است. همچنین در شرکت هایی با مدیران بیش اعتماد و ساختارهای حاکمیت شرکتی قوی، احتمال حفظ کنترل های داخلی مؤثر بیشتر است. مالمندیر و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیریت بر تصمیمات سرمایه گذاری و تامین مالی پرداختند. آنان در بررسی رفتار مدیریت دریافتند که بیش اعتمادی مدیریتی، ممکن است به انحرافات در تصمیمات سرمایه گذاری شرکت منجر شود. آنان همچنین بیش اعتمادی مدیریت را عامل مهمی در تشریح تصمیمات تأمین مالی شرکت تلقی می کنند.

همچنین مطالعات در رابطه با بیش اعتمادی مدیریت و استفاده از حسابرس متخصص صنعت نشان می دهد حسابرسان متخصص در یک صنعت، به دلیل شناختی که از پیچیدگی صنعت دارند، نقش نظارتی و اطلاعاتی بارزتری نسبت به مؤسسه های دیگر دارند و می توانند اطلاعات قابل اتکاتری را برای عملکرد مالی مطلوب تر ارائه کنند. حسابرسان متخصص صنعت، حسابرسی با کیفیت تری ارائه می دهند. همچنین توانایی بهتری در کشف اشتباه و تحریف صاحبکاران خود دارند. بنابراین، احتمال استفاده مدیران بیش اعتماد از حسابرسان متخصص صنعت کمتر است؛ زیرا احتمال اینکه حسابرسان متخصص صنعت، رویه های حسابداری متهورانه صاحبکاران خود را کشف کنند، بیشتر است (دوئلن و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین در تحقیقات آنان نشان داده شد که بیش اعتمادی مدیران شرکت ها باعث می شود تا گزارشگری غیر محافظه کارانه افزایش یابد. این موضوع باعث افزایش ریسک حسابرسی و در نتیجه افزایش حق الزحمه حسابرسی گردیده و حسابرس نیز با گزارش محافظه کارانه ای در خصوص عملکرد مدیر اظهار نظر می نماید. شواهد این پژوهش تأکید دارد که مدیران بیش اعتماد، به دنبال حسابرسانی هستند که اظهار نظر مطلوب تری درباره پیش بینی ها و عملکرد آن ها داشته باشند. در تحقیقاتی دیگر، مدیران بیش اعتماد ممکن است به دلیل پرداخت

حق الزحمه کمتر، از حسابرسان غیر متخصص استفاده کنند. چراکه حسابرسان غیر متخصص حق الزحمه کمتری مطالبه می کنند (لنوکس و همکاران، ۲۰۱۴). در داخل کشور نیز در سال های اخیر مطالعاتی در زمینه بیش اعتمادی مدیریت انجام شده است، از جمله بنی مهد و نصیری (۱۳۹۵) به بررسی ارتباط میان بیش اعتمادی مدیران و بیش نمایی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد میان بیش اعتمادی مدیر و بیش نمایی سود رابطه ای مثبت و معنی دار وجود دارد. به بیان دیگر هر چه سطح بیش اعتمادی در مدیران افزایش یابد، مدیریت سود از نوع حداکثرسازی آن نیز افزایش می یابد. در نتیجه این موضوع باعث می شود تا حسابرس گزارش غیر مقبول صادر نماید. عرب صالحی و کاظمی نوری (۱۳۹۳) در مطالعات خود به بررسی تاثیر بیش اعتمادی مدیران بر حساسیت سرمایه گذاری جریان های نقدی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آنان نشان داد، بیش اعتمادی مدیران ار شد، باعث افزایش حساسیت سرمایه گذاری جریان های نقدی شده است. همچنین تأثیر مثبت بیش اعتمادی مدیران ار شد بر حساسیت سرمایه گذاری جریان های نقدی در شرکت ها با هزینه های نمایندگی بالا، شدیدتر است. علی نژاد ساروکلایی و پیرمرادی (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیریت بر کیفیت ارقام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این مطالعه تأثیر بیش اعتمادی مدیران با سه معیار بر کیفیت ارقام تعهدی سنجیده شد. نتایج بیانگر عدم تأثیر معنادار بیش اعتمادی مدیریت بر کیفیت ارقام تعهدی بود. از آنجائی که کیفیت ارقام تعهدی، شاخصی برای اندازه گیری کیفیت حسابرسی باشد، از این رو می توان گفت کیفیت حسابرسی با بیش اعتمادی مدیر نیز رابطه ای ندارد. فرج زاده دهکردی و حیدری (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه توانایی مدیریت با حق الزحمه و اظهارنظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت پرداختند. برای سنجش توانایی مدیریت در این تحقیق از مدل دو مرحله ای تحلیل پوششی دمیچیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها نشان داد که با افزایش میزان توانایی مدیران، حق الزحمه حسابرسی و احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت، در گزارش حسابرسی واحد تجاری کاهش می یابد. از آنجائی که شواهد تجربی چندانی در خصوص رابطه بین خصوصیات مدیریت و تصمیمات حسابرسان وجود ندارد، لذا نتایج این تحقیق مبنی بر تأثیر گذار بودن توانایی مدیریت بر تصمیمات حسابرسان اهمیت می یابد.

فرضیه پژوهش

در این پژوهش، با توجه به اهداف و مبانی نظری تحقیق، فرضیه زیر در نظر گرفته شده است؛
بیش اعتمادی مدیر بر اظهار نظر غیرمقبول حسابرس تاثیر معنی دار دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش بر مبنای هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری اطلاعات، توصیفی است و در حوزه تحقیقات حسابر سی قرار دارد. همچنین بر اساس چارچوب کلی جزء پژوهش‌های تجربی و از نوع پس رویدادی می‌باشد. در واقع این پژوهش، پژوهشی کمی است که از طریق رگرسیون لجستیک باینری با داده‌های ترکیبی به بررسی و آزمون فرضیه تحقیق می‌پردازد. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۳ می‌باشد. روش نمونه‌گیری پژوهش، روش حذف سیستماتیک بوده است. بدین ترتیب که کلیه شرکت‌های عضو جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده جزء نمونه آماری لحاظ شده و آن دسته از شرکت‌هایی که این شرایط را نداشته‌اند از نمونه آماری، حذف گردیده‌اند. نحوه نمونه‌گیری از جامعه آماری پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

تکانه (۱). روش حذف سیستماتیک

مقادیر	متغیرهای اعمال شده در نمونه‌گیری
۳۴۶	تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس قبل از سال ۸۶
(۲۳)	تعداد شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند نیست.
(۱۴)	شرکت‌هایی که در طول دوره تحقیق تغییر سال مالی داده‌اند.
(۶۵)	شرکت‌هایی که معاملات سهام آن‌ها به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت نگرفته و توقف عملیاتی بیش از یک ماه داشته‌اند.
(۱۲۷)	شرکت‌هایی که داده‌های آنها طی قلمرو زمانی تحقیق در دسترس نبوده است.
(۵۱)	شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا واسطه‌گری مالی، هلدینگ و بانک و لیزینگ.
۶۶	مجموع باقی مانده

با استفاده از روش حذف سیستماتیک، جامعه غربال شده و پس از آن، تعداد ۶۶ شرکت (به شرح نگاره شماره ۱) که متشکل از تعداد ۴۱۲ مشاهده (سال - شرکت) هستند، به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. در محاسبه مشاهدات نمونه، داده‌ها به صورت پنل نامتوازن می‌باشد.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن

در این پژوهش، همانند پژوهش جیانگ و لی (۲۰۱۵) و به پیروی از مدل شرانند و زچمان (۲۰۱۱)، از مدل رگرسیون لجستیک زیر برای آزمون فرضیه پژوهش استفاده می‌شود:

$$FGCO_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Managerial OC_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_5 Audit Type_{i,t} + \beta_6 Ownership_{i,t} + \beta_7 Sale Growth_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر وابسته $FGCO_{i,t}$: در این پژوهش نوع اظهارنظر حسابرس می‌باشد که یک متغیر دو وجهی صفر و یکی است. اگر حسابرس اظهارنظر غیر مقبول ارائه کرده باشد شامل (مشروط، مردود و عدم اظهارنظر)، این متغیر مقدار ۱ و در صورت ارائه اظهارنظر مقبول در گزارش حسابرس مقدار صفر به خود می‌گیرد.

متغیر مستقل $Managerial OC_{i,t}$: معیار بیش اعتمادی مدیر متغیر مستقل در این پژوهش است که بر اساس خطای مدل زیر اندازه‌گیری می‌شود.

$$\Delta Assets = a_0 + a_1 \Delta Sale + \varepsilon_0$$

$\Delta Assets$ تغییر در دارایی‌های سال جاری t نسبت به سال قبل.

$\Delta Sale$ تغییر فروش سال t نسبت به سال قبل می‌باشد که درآمد ناشی از فروش محصولات و ارائه خدمات از صورتهای مالی شرکت‌ها استخراج شده است.

ε_0 خطای مدل که نشان دهنده بیش اعتمادی مدیر می‌باشد.

برای همگن شدن داده‌ها در سطح همه شرکت‌ها، متغیرهای مدل بر جمع دارایی‌ها تقسیم شده است. این مدل توسط احمد و دوئلن (۲۰۱۳) برای اندازه‌گیری بیش اعتمادی مدیر ارائه شده است. مبانی نظری این مدل بر این پایه استوار است که رشد دارایی‌ها باید تابعی از رشد فروش باشد. آن بخش از رشد دارایی‌ها که تابعی از فروش نیست، ناشی از رفتار متهورانه و ریسک‌پذیری مدیر می‌باشد که در مقادیر خطای مدل قرار می‌گیرد.

متغیرهای کنترلی

در تحقیقات گذشته نشان داده شده است که اندازه شرکت، نسبت اهرمی، نوع حسابرس، درصد سهام متعلق به سهامدار عمده و رشد فروش، از جمله متغیرهای تاثیرگذار بر نوع اظهارنظر حسابرس میباشد (بنی مهد و زینالی ۱۳۹۱ و بنی مهد و نصیری پوردری ۱۳۹۵).

اندازه شرکت $Size_{it}$: از طریق محاسبه لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها محاسبه شده است.

نسبت اهرم مالی LEV_{it} : میزان استفاده از بدهی برای تأمین مالی دارایی‌ها را نشان می‌دهد. نسبت اهرم مالی از طریق جمع کل بدهی‌ها به جمع کل دارایی‌ها در پایان سال مالی حاصل می‌شود.

نوع حسابرس $Audit Type_{it}$: که یک متغیر دو وجهی است. اگر حسابرس شرکت مورد بررسی، سازمان حسابرسی باشد مقدار آن ۱ و در غیر اینصورت مقدار آن صفر می‌شود. درصد سهام متعلق به سهامدار عمده $Ownership_{it}$: که عبارت است از درصد سهامی که در ترکیب سهامداران شرکت، به سهامدار عمده تعلق دارد.

رشد فروش $Sale Growth_{it}$: عبارت است از تغییرات فروش سال جاری نسبت به سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل.

E_{it} باقی مانده‌های مدل رگرسیونی است.

لازم بذکر است تمامی متغیرهای پژوهش در پایان هر سال و در طی دوره هشت ساله پژوهش و بر اساس مدل رگرسیونی لجستیک باینری برآورد می‌شوند.

نتایج پژوهش

آمار توصیفی

این نوع آمار صرفاً به توصیف جامعه می‌پردازد و هدف از آن محاسبه پارامترهای جامعه است. در این پژوهش، ابتدا شاخص‌های توصیف داده‌ها، شامل شاخص‌های مرکزی (مانند میانگین و میانه)، شاخص‌های پراکندگی (مانند واریانس و انحراف معیار) برای تک تک متغیرهای پژوهش محاسبه خواهد شد. این شاخص‌ها یک نمای کلی برای هر یک از متغیرهای پژوهش ارائه می‌کنند.

آزمون رگرسیون لجستیک

رگرسیون لجستیک یکی از کاربردی‌ترین مدل‌های تعمیم یافته است که برای تحلیل رابطه یک یا چند متغیر توضیحی بر متغیر پاسخ اسمی به کار می‌رود. تحلیل لجستیک تکنیکی پر استفاده بوده و در آن احتمال یک پیامد دومقوله ای، به مجموعه ای از متغیرهای پیش بینی کننده بالقوه مرتبط می‌شوند. در این نوع رگرسیون متغیرهای مستقل می‌توانند هم در مقیاس کمی و هم در مقیاس اسمی باشند ولی متغیر وابسته به صورت مقیاس اسمی و دو سطحی است. این دو سطح معمولاً به عضویت و عدم عضویت در یک گروه اشاره دارد. رگرسیون لجستیک به جای حداقل کردن مجذور خطاها (که در رگرسیون معمولی انجام می‌گیرد) احتمالی را که یک واقعه رخ می‌دهد به حداکثر می‌رساند. برای تحلیل رگرسیون لجستیک و بررسی کارایی آن از آزمون‌های معنی‌داری ضرایب (آزمون والد)، نسبت درست‌نمایی مدل، ضریب تعیین نایجل کرک و کاسل و اسنل و آزمون هاسمر-لمشو استفاده می‌شود که در ادامه به تشریح هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

آزمون والد

برای آزمون معنی‌داری ضرایب رگرسیون لجستیک از آماره آزمون والد که دارای توزیع تقریباً نرمال بوده، استفاده می‌شود. این آزمون همان آزمون t در رگرسیون خطی است و نشان دهنده معنی‌داری هر یک از ضرایب مدل است. در صورتی که سطح اهمیت هر یک از ضرایب کمتر از ۵ درصد باشد، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هر یک از ضرایب در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است.

آزمون نسبت درست‌نمایی (آزمون معنی‌داری مدل)

این آزمون به عنوان آزمون معناداری مدل است و به عبارتی بیان می‌کند که آیا نتایج برازش مدل معنادار بوده یا نه. در واقع فرضیه صفر این آزمون، صفر بودن ضرایب تمامی متغیرها است و در صورتی که مقدار احتمال (P-Value) کمتر از ۵ درصد باشد، بیان می‌کند که مدل معنادار است. این آزمون همانند آزمون F در رگرسیون معمولی است.

ضریب تعیین کاکس و اسنل

این ضریب همان ضریب تعیین در رگرسیون معمولی بوده که نشان می‌دهد چند درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. این معیار شبیه به ضریب تعیین در رگرسیون معمولی است و مقادیر نزدیک به یک حاکی از معنی‌داری شدیدتر الگو خواهند بود.

ضریب تعیین نایجل کرک

ضریب تعیین بیانگر میزان واریانس مشترک بین دو متغیر بوده و نشان می‌دهد چند درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. این ضریب همانند ضریب تعیین در رگرسیون معمولی بوده و دامنه آن مابین ۱ و ۰ می‌باشد، بطوری که عدد یک نشان دهنده تبیین کامل متغیرهای مشاهده شده توسط مدل بوده و مقدار ۰ بیانگر این است که مدل هیچگونه متغیری را تبیین نمی‌کند.

آزمون هاسمر - لمشو (Goodness of fit)

این شاخص مقدار متغیر وابسته مشاهده شده را با متغیر وابسته پیش‌بینی شده بر اساس مدل مقایسه می‌کند و چنانچه این تفاوت معنادار نباشد، نیکویی برازش حاصل است. یک از شاخص‌های نیکویی برازش آماره هاسمر - لمشو می‌باشد که در سال ۱۹۸۹ توسط هاسمر و لمشو ارائه گردیده است. بر اساس این آماره مشاهدات بر اساس میزان احتمال پیش‌بینی شده در چند گروه یکسان طبقه بندی می‌شود. در این آماره زمانی که مقدار احتمال (P-Value) بیشتر از ۵ درصد باشد فرضیه H_0 پذیرفته شده و بیانگر این است که تفاوت متغیر وابسته مشاهده شده با متغیر وابسته پیش‌بینی شده معنادار نبوده و نیکویی برازش حاصل شده است.

در نگاره زیر شاخص‌های مرکزی از جمله میانگین و میانه و شاخص‌های پراکنندگی از جمله انحراف معیار، برای متغیرهای مختلف محاسبه شده است. بزرگ بودن میانگین از میانه وجود نقاط بزرگ را در داده‌ها نشان می‌دهد، زیرا میانگین تحت تاثیر این مقادیر قرار می‌گیرد. در این موارد توزیع داده‌ها چوله به راست است و در غیر این صورت توزیع چوله به چپ است و در برخی متغیرها مقادیر میانگین و میانه نزدیک به هم است که در این موارد توزیع متغیرها

مستقارن است. توزیع تمام متغیرها برای کل شرکت‌ها نسبتاً مستقارن است، تنها متغیر جمع دارایی کمی چوله به راست است.

نگاره (۲). آمار توصیفی متغیرهای مختلف برای نمونه‌ها

متغیرها	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
بیش اعتمادی	۴۱۲	-۰/۰۲۸	-۰/۰۷۶	۰/۲۵	۱/۷۵	-۰/۵۳
اندازه شرکت	۴۱۲	۱۳/۲۸	۱۳/۱۴	۱/۳۶	۱۳/۸۶	۱۰/۷۳
نسبت اهرمی	۴۱۱	۰/۶۲	۰/۶۱	۰/۳۲	۰/۹۲۳	۰/۰۰۸
درصد سهام متعلق به سهامدار عمده	۴۰۵	۰/۵۲	۰/۵۱	۰/۲۳	۰/۹۵	۰/۰۷
رشد فروش	۴۱۱	۰/۲۲	۰/۱۶	۰/۴۲	۵/۲۱	-۰/۹۹
جمع دارایی (میلیون ریال)	۴۱۲	۲۳۴۴۶۲۲	۵۰۷۲۹۳	۷۷۸۰۲۵۵	۷۳۷۰۵۸۹۱	۴۵۷۳۶
رشد دارایی	۴۱۲	۰/۲۰	۰/۱۳	۰/۶۳	۱۱/۹۰	-۰/۳۲
نسبت سود به دارایی	۴۱۲	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۱۲	۰/۶۷	-۰/۷۷

به طور کلی ۵۱ درصد اظهارنظرها غیرمقبول و ۴۹ درصد شامل اظهارنظرهای مقبول حسابرسی بوده است. میانگین بیش اعتمادی مدیر برابر با ۰/۰۲۸- و انحراف معیار آن برابر با ۰/۲۵ می‌باشد. درصد متعلق به سهامدار عمده برابر ۵۲٪ درصد است.

در نگاره زیر میزان ضریب تعیین کاکس - اسنل محاسبه شد که برابر با ۰/۱۸ است. گرچه این مقدار بالا نیست اما به دلیل معنادار بودن مدل مقدار آن قابل قبول و محل استناد است. مقدار ضریب تعیین نایجل کرک نیز محاسبه شده است که برابر با ۲۳ درصد است.

نگاره (۳). مقدار ضریب تعیین کاکس اسنل و نسبت درستنمایی برای مدل

نسبت درستنمایی	ضریب تعیین کاکس - اسنل	ضریب تعیین نایجل کرک
۴۹/۴۸۰	۰/۱۸	۰/۲۳

در نگاره زیر آزمون نکویی برازش (کفایت نمونه) با استفاده از آزمون‌ها سمر لم شو انجام شده است. فرض صفر و فرض مقابل به شرح زیر نوشته می‌شود:

$$\begin{cases} H_0: & \text{تعداد نمونه برای مدل کافی است} \\ H_1: & \text{تعداد نمونه برای مدل کافی نیست} \end{cases}$$

نگاره (۴). آزمون کفایت داده‌ها برای مدل اول

مقدار احتمال	درجه آزادی	مقدار کای - دو
۰/۶۴	۸	۶/۰۲

مقدار احتمال برای آزمون‌ها سمرلم شو برابر با ۱۰/۶۴ است یعنی فرض صفر در سطح ۹۵ درصد اطمینان رد نمی‌شود که این مقدار کفایت داده‌ها یا برازندگی مدل را نشان می‌دهد.

نگاره (۵). مقدار کای - دو برای معناداری مدل

مقدار احتمال	درجه آزادی	مقدار کای - دو
۰/۰۰۰	۶	۷۷/۴۷

میزان کای - دو مدل برابر با ۷۷/۴۷ بدست آمده است. این مقدار در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد زیرا مقدار بدست آمده از مقدار بحرانی یعنی ۹/۴۹ بزرگتر است. بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. یعنی بین متغیرهای تحقیق و اظهارنظر حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه

آزمون فرضیه تحقیق بر اساس رگرسیون لاجستیک باینری انجام شده است. علت انتخاب این رگرسیون آن است که متغیر وابسته در این تحقیق، یک متغیر دو وجهی با مقدار یک و صفر است. مقدار یک برای اظهارنظر غیر مقبول و مقدار صفر برای اظهارنظر مقبول می‌باشد. نتایج آزمون فرضیه در ادامه، در نگاره شماره ۶ آورده شده است. با توجه به این نگاره مقدار احتمال آماره والد برای متغیر بیش اعتمادی برابر با صفر است، این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است. پس فرض صفر یعنی بی‌تأثیر بودن این متغیر رد می‌شود. این متغیر با اظهارنظر غیر مقبول حسابرس رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی با افزایش بیش اعتمادی احتمال اظهارنظر غیر مقبول حسابرس کاهش می‌یابد. با این تفاسیر فرضیه پژوهش مبتنی بر ارتباط میان بیش اعتمادی مدیر و اظهارنظر غیر مقبول حسابرس پذیرفته می‌شود.

مقدار احتمال آماره والد برای اندازه شرکت برابر با صفر است، این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است. پس فرض صفر یعنی بی‌تأثیر بودن این متغیر رد می‌شود. این متغیر با اظهارنظر غیر مقبول حسابرس رابطه معنادار و مثبت دارد. یعنی با افزایش اندازه شرکت احتمال اظهارنظر غیر مقبول

حسابرس افزایش می‌یابد. مقدار احتمال آماره والد برای نسبت اهرمی برابر با $۰/۶۳$ است، این مقدار بیشتر $۰/۰۵$ است. پس فرض صفر یعنی بی‌تأثیر بودن این متغیر رد نمی‌شود. یعنی این متغیر با اظهارنظر غیرمقبول حسابرس رابطه معناداری ندارد. مقدار احتمال آماره والد برای نوع موسسه برابر با صفر است، این مقدار کمتر از $۰/۰۵$ است. پس فرض صفر یعنی بی‌تأثیر بودن این متغیر رد می‌شود. این متغیر با اظهارنظر غیرمقبول حسابرس رابطه معنادار و مثبت دارد. یعنی هنگامی که حسابرس، سازمان حسابرسی است، احتمال اظهارنظر غیرمقبول حسابرس افزایش می‌یابد. مقدار احتمال آماره والد برای درصد سهام متعلق به سهامدار عمده برابر با صفر است، این مقدار کمتر از $۰/۰۵$ است..

تکانه (۶). آزمون فرضیه

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره والد	درجه آزادی	مقدار احتمال	نتیجه	VIF
عرض از مبدأ	-۴/۷۳	۱/۴۱	۱۱/۲۱	۱	۰/۰۰۱	معنادار و منفی	
بیش اعتمادی	-۳/۵۵	۰/۶۵	۲۹/۵۶	۱	۰/۰۰۰	معنادار و منفی	۱/۱۸
اندازه شرکت	۰/۴۰	۰/۱۰	۱۵/۳۹	۱	۰/۰۰۰	معنادار و مثبت	۱/۱۴
نسبت اهرمی	-۰/۳۳	۰/۶۸	۰/۲۴	۱	۰/۶۲۷	بی‌معنی	۱/۰۸
نوع موسسه حسابرسی	۰/۸۷	۰/۲۷	۱۰/۳۱	۱	۰/۰۰۱	معنادار و مثبت	۱/۱۰
درصد سهام متعلق به سهامدار عمده	-۲/۱۵	۰/۴۸	۱۹/۸۹	۱	۰/۰۰۰	معنادار و منفی	۱/۰۲
رشد فروش	۰/۳۲	۰/۴۲	۰/۵۷	۱	۰/۴۵۲	بی‌معنی	۱/۱۵
آماره کای دو	۷۷/۴۷			۶	۰/۰۰۰		
ضریب تعیین کاکس اسنل	۰/۱۸						
ضریب تعیین نایجل کرک	۰/۲۳						
اثرات سال و صنعت لحاظ شده است							

پس فرض صفر یعنی بی تأثیر بودن این متغیر رد می‌شود. این متغیر با اظهارنظر غیرمقبول حسابرس رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی با افزایش درصد سهام متعلق به سهامدار عمده احتمال اظهارنظر غیرمقبول کاهش می‌یابد. مقدار احتمال آماره والد برای رشد فروش برابر با ۰/۴۵ است، این مقدار بیشتر ۱۰/۰۵ است. پس فرض صفر یعنی بی تأثیر بودن این متغیر رد نمی‌شود. یعنی این متغیر با اظهارنظر غیرمقبول حسابرس رابطه معناداری ندارد.

مقادیر VIF (عامل افزایش واریانس) شاخصی برای بررسی همخطی بین متغیرهای مستقل است در صورتی که مقدار آن بالاتر از ۱۰ باشد احتمال وجود همخطی بین متغیرهای مستقل وجود دارد. میزان این شاخص در بیشترین مقدار برابر با ۱/۱۸ (برای متغیر بیش اعتمادی) است. بنابراین همبستگی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد.

مقایسه مقدار میانگین بیش اعتمادی برای اظهارنظر حسابرس

برای تحلیل بیشتر در مورد تائید معنی‌داری متغیر بیش اعتمادی در نگاره شماره ۳، آزمون اضافی مقایسه میانگین بیش اعتمادی در دو گروه از شرکت‌ها با اظهارنظر مقبول و غیر مقبول به شرح نگاره شماره ۷ ارائه شده است. یعنی در این آزمون مقدار میانگین بیش اعتمادی برای دو گروه شرکت‌های با اظهارنظر غیرمقبول و مقبول با هم مقایسه می‌گردد.

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 = \mu_2 & \text{میانگین بیش اعتمادی برای شرکت‌های با اظهار نظر غیر مقبول و مقبول برابر می‌باشد.} \\ H_1: \mu_1 \neq \mu_2 & \text{میانگین بیش اعتمادی برای شرکت‌های با اظهار نظر غیر مقبول و مقبول برابر نمی‌باشد.} \end{cases}$$

تکراه (۷). آزمون دونمونه مستقل برای مقایسه میانگین بیش اعتمادی دو گروه از شرکت‌ها

نتیجه	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار	انحراف معیار	میانگین	تعداد	اظهار نظر حسابرس	متغیرهای مستقل و کنترل
میانگین بیش اعتمادی برای شرکت‌ها با اظهار نظر غیر مقبول به صورت معناداری کوچکتر از سایر	۰/۰۰۰	۳۸۹	۵/۴۴	۰/۲۲	۰/۱۷	۲۰۱	مقبول	بیش اعتمادی
				۰/۱۸	-۰/۰۹۶	۲۱۱	غیر مقبول	

مقدار آماره آزمون برابر با ۵/۷۴ است. این مقدار در ناحیه رد فرض صفر قرار دارد، یعنی مقدار میانگین بیش اعتمادی برای شرکت‌ها با اظهارنظر غیر مقبول به صورت معناداری کوچکتر از میانگین شرکت‌ها با اظهارنظر مقبول است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

این پژوهش ارتباط میان بیش اعتمادی مدیر و اظهارنظر غیر مقبول حسابرس را مورد مطالعه قرار می‌دهد. هدف از انجام این پژوهش توسعه مبانی نظری مرتبط با بیش اعتمادی مدیریت و کمک به تصمیم‌گیری‌های مرتبط با ارزیابی ریسک توسط حسابرسان و آگاه نمودن قانون‌گذاران در حوزه حسابرسی، از سطح بیش اعتمادی مدیر و رابطه آن با اظهارنظر حسابرس می‌باشد.

یکی از ویژگی‌های جالب مدیریتی، بیش اعتمادی است. روانشناسان به این نتیجه رسیده‌اند افرادی که بیش اعتمادی دارند، امکان موفقیت خود را بیش از حد ارزیابی می‌کنند، موفقیت خود را مدیون توانایی‌های خود می‌دانند و نقش شانس و عوامل خارجی را در این امر کمتر از حد ارزیابی می‌کنند. بیش اعتمادی ویژگی شخصیتی است که می‌تواند به صورت اریب رفتاری و داشتن اعتقادهای غیر واقعی (مثبت) در رابطه با هر یک از جنبه‌های پیشامد در وضعیت بی اعتمادی تعریف شود، در این صورت در برآوردها اغراق خواهد شد. در شرکت‌ها، بیش اعتمادی مدیرعامل به صورت مستعد بودن مدیرعامل برای بیش بینی بسیار مثبت نتایج یا تخمین بیش از حد احتمال وقوع نتایج، تعریف می‌شود. مدیران بیش اعتماد، به طور نظام‌مندی بازده آتی ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری را بیش از حد تخمین می‌زنند یا به بیانی، احتمال و اثر رویدادهای مطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را بیش از حد برآورد می‌کنند و احتمال و اثر رویدادهای نامطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را کمتر از حد تخمین می‌زنند. بنابراین انتظار می‌رود مدیرانی که بیش اعتمادی دارند، مخارج سرمایه‌ای بیشتری داشته باشند و سرمایه‌گذاری بیش از حدی در پروژه‌های سرمایه‌گذاری انجام دهند. تحقیقات گذشته نشان داده است هرچه سطح بیش اعتمادی مدیر بیشتر باشد احتمال صدور اظهارنظر غیر مقبول نیز افزایش می‌یابد.

در پژوهش حاضر، نتایج حاصل از اجرای رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد که ارتباط معکوس و معناداری بین بیش اعتمادی مدیر و اظهارنظر غیر مقبول حسابرس وجود دارد. این

نتیجه با نتایج تحقیق جیانگ و لی (۲۰۱۵) مغایرت دارد. نتایج تحقیق آن‌ها نشان دهنده رابطه مثبت و معنی‌دار بین بیش اعتمادی مدیریت با احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی غیر مقبول است. یعنی با افزایش بیش اعتمادی مدیران، اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی نیز افزایش می‌یابد. اما در تحقیق حاضر رابطه میان بیش اعتمادی مدیر با اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی، رابطه‌ای منفی و معنادار است. یعنی با افزایش بیش اعتمادی مدیر احتمال گزارش غیر مقبول حسابرسی کاهش می‌یابد. این نتیجه بیانگر آن است که حسابرسی و مدیریت در راستای منافع یکدیگر عمل می‌کنند و تضاد منافع میان آن‌ها وجود ندارد. به بیان دیگر حسابرسی برای کسب رضایت مدیر، اظهارنظر مقبول صادر می‌کند. این مورد ناشی از تفاوت میان محیط اقتصادی ایران با سایر کشورها است. در بازار حسابرسی ایران، موسسات بزرگ حسابرسی خارجی (بین‌المللی) فعالیت ندارند. با این تفاسیر تنها فرضیه پژوهش مبتنی بر ارتباط میان بیش اعتمادی مدیر و اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی پذیرفته شد.

نتایج پژوهش نشان داد که هر چه سطح بیش اعتمادی مدیر افزایش یابد، احتمال صدور گزارش غیر مقبول حسابرسی کاهش می‌یابد. این موضوع به این معنی است که بیش اعتمادی و ریسک‌پذیری مدیریت، رابطه‌ای منفی و معکوس با اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی دارد. از آنجایی که این رابطه از لحاظ تئوری باید رابطه‌ای مثبت و مستقیم با اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی داشته باشد، از این رو، بر اساس نتایج این تحقیق به جامعه حسابداران رسمی، سازمان حسابرسی و سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود تا دلایل رابطه منفی و معکوس بیش اعتمادی مدیر و اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی را مورد بررسی قرار دهند. همچنین بر کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی نظارت بیشتر و کارآمدتری داشته باشند و برای بهبود آن اقدامات لازم را به عمل آورند.

منابع

- بنی مهد، بهمن و سلاله نصیری پور دری. (۱۳۹۵). بیش اعتمادی مدیر و بیش نمایی سود. *مجله حسابداری مدیریت، مقاله پذیرفته شده و در نوبت چاپ*.
- بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۰). بررسی عوامل تأثیرگذار بر اظهارنظر مقبول حسابرسی. *فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۱۳، سال چهارم، ص ۵۹-۸۳*.

بولو، قاسم و مسعود حسنی القار. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله دانش حسابداری، سال ششم، ش ۲۱، صص ۳۱ تا ۵*.

حساس یگانه، یحیی و حسنی القار، مسعود. مرفوع، محمد. (۱۳۹۴). بیش اطمینانی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی. *مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۸۱، صص ۳۶۳ تا ۳۸۴*.
دستگیر، مهدی و سپیده کاظمی نوری. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد بر آشفتنگی مالی. *مجله بررسی های حسابداری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۳۷-۵۱*.

رامشه، منیژه و مهناز ملانظری (۱۳۹۳)، بیش اطمینانی مدیریت و محافظه کاری حسابداری. *دانش حسابداری: بهار ۱۳۹۳، دوره ۵، شماره ۱۶، صفحه ۵۵ الی ۷۹*.

عرب صالحی، مهدی. امیری، هادی و سپیده کاظمی نوری. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد بر حساسیت سرمایه گذاری - جریان های نقدی. *نشریات مالی دانشگاه اصفهان، جلد ۶، شماره ۲، صفحات ۱۱۵-۱۲۸*.

علی نژاد ساروکلائی، مهدی و فاطمه پیرمرادی. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیریت بر کیفیت اقلام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه گذاری استان گلستان، گرگان - یکم اسفند ماه ۱۳۹۲.

فرج زاده دهکردی، حسن و ناهید حیدری. (۱۳۹۵). بررسی رابطه توانایی مدیریت با حق الزحمه و اظهارنظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت. *مجله پژوهش های تجربی حسابداری، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۲۲۱-۲۳۹*.

فروغی، داریوش و زهرا نخبه فلاح. (۱۳۹۳). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه کاری شرطی و غیر شرطی. *مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۹، صص ۴۴-۲۷*.
مشایخ، شهناز و سمیرا بهزادپور (۱۳۹۳)، تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر سیاست تقسیم سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۴، صص ۵۰۴-۴۸۵*.

Ahmed, A. S. & Duellman, S. (2013). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting Research, 51 (1): 1-30*.

Ali Nejad Sarokkalei , M. F, Pirmoradi , Abbas, S. (2013) , Investigating the Impact of Management Trust on the Accuracy of Actuality among Companies Acquired in Tehran Stock Exchange. Second National Conference on Accounting, Financial Management and Investment, https://www.civilica.com/Paper-CAFM02-CAFM02_436.html. (In Persian).

- Anderson, C. , S. Brion, D. M. Moore, J. A. Kennedy. (2012). A status-enhancement account of overconfidence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 103, 718-735 .
- Arabsalehi, Mehdi. Amiri, Hadi. (2014). the Effect of Top Executives' Overconfidence on the Investment-Cash Flow Sensitivity. *Journal of Financial Accounting Researches*, Volume 6, Issue 2, pp115-128. (In Persian).
- BaniMahd, B. (2012). Investigating factors influencing the auditor's opinion. *Quarterly Journal of the Stock Exchange*, Vol. 4, No. 13, pp 59-83 (in Persian).
- Banimahd. B; S, NasiriPour Dori. (2016). Managerial Overconfidence and Earnings Overstatement. *Journal of the Management accounting*, Vol. 9, No. 30: 55-65 (in Persian).
- Ben-David, I. , Graham, J. R. & Harvey, C. R. (2010). Managerial miscalibration, working paper, Duke University.
- Bolo & Hassani Elghar. (2014). Examining Managerial Overconfidence Effect on Earnings Smoothing in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, Issue 21, 5-31 (in Persian)..
- Chen,S. , Lai, S. , Liu, C. , McVay, S. (2014). Overconfident Managers and Internal Controls. Working paper, National Taiwan University and University of Washington.
- Chyz, J. , Gaertner, F. Kausar, A & Watson, L. (2014). Overconfidence and Aggressive Corporate Tax Policy. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2408236>.
- Dastgir, M; F Miraki. S Kazemi Noori. (2014). the Impact of Top Executives Overconfidence on Financial Distress. *Journal of Accounting Reviews*, Volume 1, Issue 2, pp 37-51 (in Persian).
- Duellman, S. , Hurwitz, H. & Sun, Y. (2015). Managerial Overconfidence and Audit Fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11 (2): 148-165.
- Farajzadeh Dehkordi, H; Nahid Heidari. (2016). The Relation of Managerial Ability to Audit Fees and Going Concern Opinions. *Journal of Empirical Research in Accounting*, Volume 6, Issue 3, pp 221-239 (in Persian).
- Fargher, N & Zhang, J. (2014). Changes in the measurement of fair value: Implications for accounting earnings. *Accounting Forum*, vol. 38, no. 3, pp 184-199.
- Gayoung Ji. And J. (2015). Managerial Overconfidence and Going - Concern Modified Audit Opinion Decisions. *Journal of Applied Business Research*, Volume 31, 2123-2138 .

- Hambrick, D. & Mason, P. (1984). Upper echelons: the organization as a reflection of its top managers. *Academy of Management Review*, 9 (2): 193-206.
- Hasas Yeganeh, Y, Hasani Alghar, M. Marfou, M. (2015). Managerial overconfidence and audit fees. *Journal of Accounting and Auditing Review, Article 6, Volume 22, Issue 3*, pp 363-384 (in Persian).
- Heaton, J. (2002). Managerial Optimism and Corporate Finance. *Financial Management*, 31 (2): 33– 45.
- Hillery, G. , & Hsu, C. (2011). Endogenous overconfidence in managerial forecasts. *Journal of Accounting and Economics*, 51 (3) , 300–313.
- Hsieh, T. , Bedard, J. C. & Johnstone, K. M. (2014). CEO Overconfidence and Earnings Management during Shifting Regulatory Regimes. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41 (9-10): 1243-1268 .
- Lennox, C, S. Xi Wu, and Tianyu Zhang (2014) Does Mandatory Rotation of Audit Partners Improve Audit Quality? *The Accounting Review, Vol. 89, No. 5*, pp. 1775-1803.
- Malmendier, U. , G. Tate, and J. Yan. (2011). Overconfidence and early-life experiences: The effect of managerial traits on corporate financial policies. *The Journal of Finance*, 66, 1687-1733 .
- Malmendier, U. and G. Tate, (2005) , CEO overconfidence and corporate investment. *The Journal of Finance*, 60, 2661- 2700 .
- Mashayekh, S; Behzadpur, S. (2014). The effect of managers' overconfidence on dividend policy in the firms listed in Tehran stock market. *Journal of Accounting and Auditing Review, Volume 21, Issue 4* pp 485-504 (in Persian).
- Nokhbeh Fallah, Z. Foroghi, D. (2014). The Effect of Managerial Overconfidence on Conditional and Unconditional Conservatism. *Journal of Financial Accounting Researches, Article 4, Volume 6, Issue 1*, pp 27-44 (in Persian).
- Pompian, M. M. (2006). Behavioral Finance and Wealth Management. Translated by: Ahmad Badri, Kayhan Publishers
- Rameshe, M. Mollanazari. (2014). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting Knowledge, Issue 16, Vol. 5, No. 16*, pp 55-79 (in Persian).
- Reynolds, K, and J, R. Francis. (2000). Does size matter? The influence of large clients on office-level auditor reporting decisions. *Journal of Accounting and Economics*, vol. 30, issue 3, pp 375-400.
- Schrand, C. , and S. Zechman. (2011). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53, 311-329.
- Skala, D. (2008). Overconfidence in Psychology and Finance an Interdisciplinary. *Literature Review. Bank i Kredyt*, (4): 33-50.

Managerial Overconfidence and Unqualified Audit Opinion

Maryam Semyari¹, Bahman Banimahd²

Received : 2016/10/19

Approved: 2017/10/07

Abstract

Overconfidence is one of the most important personal characteristics of managers. Theoretically, Manager's riskiness is directly related to this characteristic. The Possibility of unqualified opinion increases, if the auditor recognizes this personality trait of the managers and overestimates financial reporting risk due to Managerial Overconfidence. This study is aimed to determine the relationship between Managerial Overconfidence and Unqualified Audit Opinion in firms listed in Tehran Stock Exchange. This research uses the library research to collect theoretical basics and data and applies correlation method to test the hypothesis. The statistical population includes all listed companies in Tehran Stock Exchange and the sample consists of 66 companies during the period from 2007 to 2014. The logistic regression method is used to test the hypotheses of the research. The results show that Managerial Overconfidence has significant and negative relationship with Unqualified Audit Opinion. That means any increase of Managerial Overconfidence decreases the possibility of Unqualified Audit Opinion.

Keywords: Managerial Overconfidence, Unqualified Audit Opinion, Financial Reporting, Logistic Regression.

Jel clacification: M42

DOI: 10.22051/jera.2017.12244.1477

¹ Master Student of Accounting, Islamic Azad University, Karaj Branch (maryamsemyari1988@yahoo.com)

² Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, Karaj Branch (Dr.banimahd@gmail.com)